



مخبر

گزارشی از نشست علمی انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران درباره‌ی
«نقش معلم در برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان»

فلسفه و رزی کودکانه

منیره حبیب پور
عکس: اعظم لاریجانی

اشاره

نهمین نشست علمی انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، جلسه‌ی تخصصی در ارتباط با «نقش معلم در برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان» یا به اختصار «فبک» (P4C)^۱ بود که چندی پیش با همکاری گروه برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان این انجمن و در محل سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی برگزار شد. سخنرانان این نشست آقایان سعید ناجی، مسئول گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در پژوهشگاه علوم انسانی، دکتر سید منصور مرعشی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز و دکتر یحیی قائدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران و خانم دکتر مژگان رشتچی از دانشگاه آزاد اسلامی بودند. گفته می‌شود، هدف از ارائه‌ی این برنامه‌ی درسی به کودکان و نوجوانان، این است که بدون ساده‌سازی فلسفه، مخاطب به فلسفه و رزی سوق داده شود. یعنی باید فلسفه را از نو به نحوی طراحی کرد که به کودکان پرشور و مشتاق خوشامد بگوید. در واقع این گروه مطالعاتی قصد دارد، زمینه‌ها و تبعات اجرای فبک را مورد مطالعه‌ی میدانی قرار دهد.

آن چه در پی می‌آید، اندکی است از مطالب مطرح شده در جلسه که نظرتان را به مطالعه‌ی آن جلب می‌کنیم. هم‌چنین خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند، پرونده‌ی شماره‌ی ۳ رشد آموزش ابتدایی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ را که به طور کامل به موضوع «فلسفه برای کودکان» اختصاص یافته است، مطالعه کنند.^۲

شرکت کنندگان در نشست از راست:
سعید ناجی، دکتر مرعشی، دکتر
مژگان رشتچی و دکتر قانلی.



فبک و نقش معلم

مسئله‌ی موجود این است که نقش معلم در اجرای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان جدی گرفته نمی‌شود. سعید ناجی می‌گوید: «افرادی که با این برنامه آشنا شده‌اند، مایل‌اند هرچه سریع‌تر در مدرسه یا مراکزی که با کودک سروکار دارد، آن را اجرا کنند. اجرای این برنامه، به راحتی و با مطالعه‌ی چند کتاب ممکن نیست، بلکه باید مبنای آن را ساخت. معلم در چارچوب آموزش و پرورش رایج ما نقشی دارد که گاهی با اصل فبک در تقابل است.»

اهمیت شکل کلاس و نقش مربی

ناجی به عنوان سخن‌ران اصلی جلسه می‌افزاید: «در کلاس‌های فلسفه برای کودکان مهم است که معلم و کودکان دور هم بنشینند. البته به‌روال معمول، تخته سیاهی هم در کلاس نصب می‌شود. از قبل معلم داستانی را تعیین می‌کند. اصول محتوای داستان به نحوی است که کودکان را به پرسش وامی‌دارد. بعد از خواندن آن، بچه‌ها پرسش‌هایشان را مطرح می‌کنند و به این ترتیب، بحث بین بچه‌ها شروع می‌شود. معمولاً مربی نقش تسهیل‌کننده‌ی بحث را ایفا می‌کند.

مهم‌ترین عامل در این حلقه‌ی کندو کاو یا اجتماع پژوهشی، تحقیق گروهی است و نیز تأملی که از طرف کودک صورت می‌گیرد. اگر با شروع بحث جمعی، کندو کاوی صورت نپذیرد، در واقع هیچ اتفاقی نیفتاده و چیزی هم یاد گرفته نشده است.

معلم در این کلاس‌ها به بچه‌ها کمک می‌کند تا یاد بگیرند و اهم موارد مدنظر این

کلاس‌ها چنین است:

- ✓ صورت‌بندی سؤالات.
- ✓ اجتناب از تعریف‌های عاری از دقت.
- ✓ بسط فرضیه‌ها.
- ✓ آوردن شواهدی از دیگران برای ادعاهای خود.
- ✓ به رسمیت شناختن تفاوت‌های مربوط به شرایط.
- ✓ بهره‌بردن از ایده‌های دیگران.
- ✓ پذیرش انتقادهای موجه.
- ✓ احترام به دیگران به عنوان یک شخص.
- ✓ در پی روشن‌سازی مفاهیم مبهم بودن.
- ✓ دفاع از عقاید با استفاده از دلایل متقاعدکننده.

پیش‌فرض‌های آموزش و پرورش رایج

- ✓ عادت‌ها و تجربه‌های نسل قبل به نسل بعد منتقل می‌شوند.
- ✓ علم و معرفت (معادل اطلاعات) اگر از معلم دریافت شود، طوطی‌وار خواهد بود.
- ✓ کودکان در امور تأمل نمی‌کنند و مطالب آموزشی تحمیلی است.
- ✓ کودکان قادر به تحقیق نیستند (و اصولاً در این نوع نظام لازم نیست کودک پژوهش انجام دهد).
- ✓ کودک قادر به درک مفاهیم انتزاعی نیست.

چارچوب فبک

- برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان، با برنامه‌ی رایج تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله:
- ✓ قوه‌ی استدلال دانش‌آموز را تقویت می‌کند.
- ✓ معرفت در این جا چیزی بیش از اطلاعاتی است که معلم می‌دهد.
- ✓ توانایی تحلیل و پردازش داده‌ها و اطلاعات اهمیت دارد تا سردرگمی ایجاد نشود.
- ✓ بر افزایش قدرت پردازش بچه‌ها تأکید می‌کند، چون در دنیای جدید، اطلاعات به سرعت افزایش می‌یابند.
- ✓ حفظ طوطی‌وار و پس دادن درس‌ها را کنار می‌گذارد.
- ✓ وظیفه‌ی آموزش و پرورش، تقویت تفکر انتقادی و خلاق به شمار می‌رود.
- ✓ راهبری و کندو کاو جمعی اهمیت بسیار پیدا می‌کند.

✓ تشخیص و استخراج پیش فرض های ادعاهای به عمل آمده.

✓ ارائه‌ی داورى‌هاى ارزیابانه‌ی مناسب.

بنابراین معلم عضوی از حلقه‌ی کندو کاو است و به شاگرد علاقه‌مند کمک می‌کند تا اندیشه‌هایش را متولد سازد. اما در آموزش و پرورش رایج، معلم حاکم و دانای مطلق است که باید حرفش توسط کودک پذیرفته شود. هم‌چنین او متکلم وحده است و به حفظ مطالب کتاب کمک می‌کند.

معلم فیک، آموزش‌ها را از طریق تمرین یاد می‌دهد. در موقعیت‌های واقعی، نگاه این معلم به کودک متفاوت از غیر است. او کودک را فاقد توانایی‌های بزرگ سالان نمی‌داند. از نظر او، حتی احتمال دارد کودکان نسبت به بزرگ‌ترها افکار جالب‌تری داشته باشند.»

مسئول گروه فلسفه برای کودکان از قول **گرت متیو**، یکی از معلم‌های بنام فلسفه برای کودکان ادامه می‌دهد: «هر بار به کلاس رفتم، چیزی جدید یاد گرفتم.»

در واقع این معلم، کودک را دست کم نمی‌گیرد و ناقص نمی‌داند. معلم فقط آموزش دهنده نیست، او باید شنونده‌ی خوبی نیز باشد. این خضوع در برابر اظهار نظر دیگران، طبیعتاً به مشارکت می‌انجامد.

اما دکتر **سید منصور مرعشی**، سخن‌رانی خود را با نگاه به تغییر افکار معلم‌ها چنین شروع کرد: «پیش از آن که برنامه‌ای را تغییر دهند و برنامه‌ی درسی جدیدی برای دانش‌آموزان طراحی کنند، باید افکار معلم‌ها را تغییر دهند. تا زمانی که معلم نخواهد، برنامه‌ی درسی جدید هیچ اثری نخواهد داشت. تا زمانی که زمینه‌سازی لازم صورت نگیرد

و مبانی نظری اساسی به وجود نیاید، اجرای این برنامه به صورت رسمی محقق نخواهد شد.

متیو لیپمن معتقد بود «باید برنامه‌ها را از کودکی آغاز کرد.» این نشان از اهمیت موضوع دارد، زیرا ذهن معلم بزرگ‌سال نیز، بر اساس مسائلی که بیشتر در کودکی دیده و شنیده، نقش یافته است.»

دکتر **مژگان رشتچی** دیگر مدعو این نشست، در ادامه‌ی بحث دکتر مرعشی می‌گوید: «توصیه‌ی من این است که این برنامه را برای معلم‌های داوطلب و علاقه‌مند، دایر کنیم؛ آن‌هایی که نیاز کودک و

نوجوان را درک کنند و کمبودهایش را بفهمند. فیک حتی برای بعضی دانش‌گامیان هم ناشناخته و مبهم است. باید اطلاع‌رسانی شود و حتی کارگاه‌های آموزشی یا دوره‌ی تربیت معلم فیک راه‌اندازی شود.»

رشتچی می‌افزاید: «در حقیقت این رویکرد در دین ما هم هست، ولی ما نتوانسته‌ایم از داشته‌هایمان به خوبی استفاده کنیم، چون با دلایلی از جمله برتافتن انتقادات روبه‌رو هستیم. باید حوصله کنیم و از شناخت به فراشناخت برسیم. فیک شاید تکراری باشد، اما چه قدر به همین تکرارها توجه کرده‌ایم؟!»

دکتر قائدی در تکمیل و جمع‌بندی نظرات و سخنان ارائه شده در این جلسه بیان کرد: «گاهی می‌گویند این برنامه از خارج آمده و چون، اصول آن را نمی‌شناسیم و اجرای آن ناقص بود، مدتی کنار گذاشته شد تا این که ما مجدداً در قالب نقش معلم در برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان به آن توجه کردیم. این رویکرد بیشتر برای بهسازی است. حتی معتقدم، نگاه سنتی به آموزش و پرورش نیز در مدرسه‌های ما به خوبی نضج نگرفته است و باید جا بیندازیم که فیک می‌تواند کل آموزش و پرورش را متأثر کند، نه بخشی از آن را.

فیک می‌گوید، هیچ انتخابی بی‌دلیل نیست. این، نوعی تربیت قضاوت صحیح است که قصدش تحول کل نظام آموزش و پرورش است. معلم در این برنامه نقش اساسی دارد.»

شاخص حرکت چیست؟

قائدی در این ارتباط می‌گوید: «همان‌طور که متیو لیپمن عرضه داشته، شاخص حرکت ما **سقراط** است. مدل معلم در این برنامه سقراطی است. او می‌گوید، دانش چیزی نیست که از بیرون به ذهن شاگرد تزریق شود، دانش آن است که از درون شاگرد بیرون کشیده شود. ای انسان خودت را بشناس. و ما در حدیث و روایات نیز این معانی بلند را داریم. مقدمه‌ی شناخت خدا، شناخت خود است.»



زیرنویس

1. P4C: Philosophy for children (فلسفه برای کودکان)

۲. «فیک» یا «فلسفه برای کودکان». صفحات ۱۷ تا ۳۲ مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی. آذرماه ۱۳۸۵ (دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۳).